

جمهوری اسلامی ایران باید هم پیاز را بخورد و هم چوب را

بهمن احمدی امویی

amouee@yahoo.com

یکی از مهمترین فاکتورهایی که تحلیل گران و کارشناسان مختلف در مورد پذیرفتن یا عدم پذیرفتن نظر شورای حکام آژانس انرژی اتمی از سوی ایران نادیده گرفته اند نقش کلاسیک عراق به عنوان عامل بازدارنده و تعادل کننده جمهوری اسلامی در "استراتژی مهار دوگانه" در 25 سال گذشته است.

عراق از فرای پیروزی انقلاب ایران در 1357 نقش ویژه‌ای در مناسبات آمریکا با ایران بازی کرد و آن نقش عامل بازدارندگی جمهوری اسلامی و پس از آن ایجاد تعادل در خاورمیانه بوده است.

اگرچه در سال 1991 آمریکای‌ها رژیم صدام یاغی شده را پس از اشتغال کویت بر سر جای خود نشاندند اما فراموش نکردند که آن رژیم را تا آنجایی تضعیف کنند که بتواند نقش مهارکنندگی خود را در برابر ایران بازی کند. آنها با وجود اینکه اجماع جهانی را برای برخورد با عراق داشتند ترجیح دادند فرصت برخورد با عراق را به زمان دیگری موکول کنند.

اینکه اگرچه عراق به وسیله آمریکا اشغال شده و وجود نیروهای آمریکایی در مرزهای غربی ایران تا حدودی می‌تواند نقش تهدید کننده و متعادل کننده و بازدارنده نیروهای سابق عراق را برای جمهوری اسلامی بازی کند اما به دلیل احتمال موقتی بودن حضور این نیروها و در عین حال پرهیزینه بودن آنها در این وضعیت جنگی برای اقتصاد و جامعه آمریکا به نظر می‌رسد راه دیگری برای ایجاد تعادل وجود داشته باشد و آن راه ایجاد شرایطی برای نزول توانایی و موقعیت اقتصادی و اجتماعی ایران است. مدخل ورود به این فاز هم عدم امضای پروتکل الحاقی توسط ایران است.

واقعیت این است آمریکا و بیش از او اسرائیل ترجیح می‌دهد ایران را به نقطه برخورد نهایی و تضعیف کامل بکشاند. پس بهترین راه ترویج خارج شدن از NTP و عدم امضای آن و تن ندادن به شرایط پروتکل است.

همانطور که عراق پس از جنگ دوم با آمریکا به مرزهای پیش از تمدن جهان امروز برگشته، ناامنی به شدت افزایش یافته و زیر ساخت های آن در تمامی زمینه‌ها تقریباً نابود شده‌اند از نگاه آنها ایران هم برای حفظ تعادل نسبی موجود در استراتژی "مهار دوگانه" باید به همان نقطه عراق امروزی برسد. تخریب کامل زیر ساخت‌های اجتماعی اقتصادی و سیاسی.

از همین رو برخی از تحلیل گران نزدیک به محافل خاص آمریکایی و اسرائیلی در خارج از کشور و همچنین در داخل، پذیرش و امضای آن را برای بخش‌های مهمی از حاکمیت ایران عبور از خط قرمز و حیثیتی قلمداد کردن آن می‌دانند. اقدامی که در نزد مقامات ارشد تصمیم‌ساز واقعی جمهوری اسلامی تعبیر به ضعف خواهد شد و نتیجه‌ای جز عدم امضای پروتکل در مراحل اولیه را در پی نخواهد داشت.

درست پس از پایان زمان مقرر و عدم همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شرایط مورد نظر اسرائیل و آمریکا برای هدف قرار دادن ایران به دست خواهد آمد. آنها یقیناً در این مرحله با فشارهای شدید اقتصادی که از تحریم خرید نفت که در حال رایزنی برای عملیاتی کردن آن هستند شروع و به وارد کردن ضربه‌های اساسی بر ساختار اقتصاد - اجتماع و فرهنگ ایران ادامه خواهد یافت. در نهایت در یک زمان مناسب با چند حمله محدود و نظامی به مراکز حساس اقتصادی - نظامی ایران از

جمله چندین سد، نیروگاه برق، پالایشگاه و نیروگاه اتمی بوشهر، ایران را در وضعیت برابر در نابودی همه امکانات با جامعه کنونی عراق خواهند داد.

احتمالاً پس از این و در حین رسیدن به این مرحله مقامات تصمیم‌ساز جمهوری اسلامی راضی به پذیرش نظرات غرب خواهند شد. راهی که سرنوشت آن فردی را خواهد داشت که از میان خوردن یک گونی پیاز و یا چند ضربه چوب، خوردن گونی پیاز را انتخاب کرد و پس از آن در نیمه راه به ناچار ترجیح می‌دهد چوب‌ها را هم نوش جان کند.